

تریبون

منصور حکمت

دنیا پس از ۱۱ سپتامبر،

بخش سوم : افول اسلام سیاسی

در بیرون دو قطب تخاصم ارتجاعی امروز، میلناریسم آمریکا و دولتهای غربی در یکسو و اردوی اسلام سیاسی و گروههای ترور اسلامی در سوی دیگر، فضای حاکم بر اکثریت انسان دوست و صلح دوست جهان یک فضای هراس و نگرانی است. فضای استیصال است. همه نگران وخیم تر شدن اوضاعند: بالا گرفتن مسابقه جنون و ترور. آوارگی و مرگ صدها هزار مردم بیگناه افغانستان، حملات شیمیایی و میکروبی در غرب، انفجار سیاسی در پاکستان، افتادن بمبهای اتمی "جیبی" و "لپ تاپ" بدست ماجراجویان سیاسی و متعصبین دینی و تبهکاران بین المللی. "جنگ جدید آمریکا" و فاز جدیدی از یک خونریزی جهانی در مقیاسی که فقط آمریکا قادر به آن بوده و هست. شعارها و اعتراضات مردم شرافتمند جهان عمدتاً معطوف به حفظ وضع موجود و رجعت به موازنه قبلی است. این بشریتی است که امید به یک آینده بهتر ندارد. در بهترین حالت تقاضای آرامش میکند. از بمب و جنگ و خشونت میگریزد. بشریتی که علیرغم ظاهر خام اندیش و خام شده و مطیع روزمره اش، ظرفیتهای ضد انسانی هیولاهایی که پا به میدان این جنگ گذاشته اند، اسلام سیاسی و میلناریسم آمریکا، را میشناسد و میخواهد به هر قیمت از فجایع بعدی اجتناب کند. در میان طیف وسیع نیروهایی که در مخالفت با این کشمکش پا به میدان گذشته اند، و از جمله در میان تنمه گروههای چپ حاشیه ای در اروپا که تا ۱۰ سپتامبر به چیزی کمتر از "انقلاب جهانی" رضایت نمیدادند، آرامش طلبی، تلاش برای ترمز گذاشتن بر روندی که در جریان است، تلاش برای حفظ وضع موجود و برگرداندن تعادلی که پیش از ۱۱ سپتامبر وجود داشت، به سیاست حاکم تبدیل شده است. پاسیفیسم خط حاکم بر جنبش مقاومت است. و این سیاستی فوق العاده زیانبار است که نه فقط مصائب و فجایع بعدی را مانع نمیشود، بلکه حتی وقوع آنها را تضمین میکند. سیاست پاسیفیستی، و خیره شدن به وجه نظامی و مسلحانه این تقابل و خشونت فیزیکی ای که میتواند بر سر جهان نازل شود، دقیقاً این

فهرست

* ملاحظاتی درباره بیانیه پلنوم ۴۸

حکمت - حکمتیست

علیه نسل کشی در غزه!

جلیل بهروزی..... صفحه ۴

* قطب سوم به میدان آمده است!

آذر ماجدی..... صفحه ۶

* ترمزهایتان را چک کنید!

تریبون صفحه ۷

* گزارشی از شکل گیری و فعالیتهای

کمپین "جنبش حق زن علیه نسل کشی و

در دفاع از مردم فلسطین!

هما ارجمند..... صفحه ۸

* بیانیه "کنفرانس نسل کشی در غزه و جنبش حق

زن کجا ایستاده است؟"..... صفحه ۹

* آزادی حمید نوری، قصاب زندان گوهر

دشت، معامله ای دیگر با رژیم

اسلامی!..... صفحه ۹

شورای سردبیری:

هما ارجمند،

جلیل بهروزی،

سوسن لاری،

آذر ماجدی

tribune890@gmail.com



منصور حکمت

اسرائیل، ما را به بن لادن و افغانستان حواله میدهند. جنگ آمریکا با طالبان در افغانستان یک واقعه بسیار مهم با نتایج دیرپایی در سطح منطقه و جهان است. این جنگ قطعاً بر سرنوشت اسلام سیاسی و حتی مساله فلسطین تأثیر میگذارد. اما ربطی به یافتن و مجازات عاملان ۱۱ سپتامبر ندارد و حتی احتمال اقدامات تروریستی علیه غرب را بسیار تشدید میکند. (به این بر میگردم.) تروریسم اسلامی یک واقعیت دوران ماست. این تروریسم یک رکن اصلی استراتژی اسلام سیاسی است. اسلام سیاسی یک جنبش ارتجاعی در منطقه و اکنون در سطح جهانی است که از ظلم تاریخی اسرائیل و غرب علیه مردم عرب زبان و بطور مشخص علیه مردم فلسطین تغذیه میکند. بی کشوری مردم فلسطین و ستم دولت اسرائیل و متحدان غربی اش بر فلسطینیان یک منشاء اصلی انزجار از غرب و از آمریکا در خاورمیانه است. مهم تر از این، وجود مساله فلسطین و پشتیبانی همیشگی آمریکا و غرب از اسرائیل در برابر اعراب چه در دوران جنگ سرد و چه پس از آن، یک شکاف عظیم اقتصادی، فرهنگی و روانشناسانه میان غرب با مردم خاورمیانه ایجاد کرده است. اما اینکه اسلام سیاسی بعنوان یک جنبش امکان پیدا میکند از این نارضایتی و شکاف سرمایه بسازد و از حاشیه جوامع خاورمیانه به متن جدال بر سر قدرت سیاسی پا بگذارد، دیگر مستقیماً محصول خود آمریکا و غرب است. اسلام سیاسی بعنوان جنبش تبهکارانه ای با این دامنه وسیع قدرت، مخلوق آمریکا و غرب است. این هیولا را خود اینها ساختند و بجان مردم منطقه و امروز سراسر جهان انداختند. اسلام سیاسی ابزار غرب در جنگ سرد علیه شوروی و ابزار در هم شکستن جنبشها و انقلابات چپ و کارگری در کل کشورهای منطقه بود. این ابزاری بود که پس از بن بست حکومت‌های ناسیونالیستی در خاورمیانه برای جلوگیری از قدرتی چپ به میدان آوردند. مساله فلسطین و وجود حکومت‌های اسلامی در خاورمیانه ارکان تروریسم اسلامی است. و هر سیاست فعال و پیشرو مردمی برای مقابله با تروریسم اسلامی باید از همینجا شروع کند:

زیان را دارد که مردم را به یک فلج سیاسی دچار میکند. شرط جلوگیری از این مسابقه تروریستی و این موج انفجار و تخریب و کشتار جمعی که برایمان تدارک دیده اند دخالت توده وسیع مردم، هم در اروپا و آمریکا و هم در خاورمیانه و کشورهای به اصطلاح جهان سوم در روندهای سیاسی ای است که در پس این رویدادها قرار دارد. دخالتی بر مبنای یک دستور کار فعال و اثباتی. در چنین صورتی، افق آینده مجبور نیست تیره باشد.

لازم است این روندها و واقعیات سیاسی را از زیر آوار تبلیغات جنگی بیرون بکشیم.

۱) حل مساله فلسطین. باید این معضل تاریخی حل بشود. مردم فلسطین باید کشور مستقل خود را داشته باشند. باید آمریکا و دولتهای غربی را ناگزیر کرد از حمایت یکجانبه خود از اسرائیل دست بردارند. باید اسرائیل را وادار کنند صلح و استقلال فلسطین را بپذیرد. حل مساله فلسطین مهم ترین رکن مقابله با اسلام سیاسی و تروریسم اسلامی است و جزء اصلی یک دستور کار پیشرو و فعال در قبال اوضاع کنونی است.

۲) غرب باید از حمایت ارتجاعی اش از دولتهای اسلامی و واپسگرا و از احزاب جنبش اسلامی در خاورمیانه دست بردارد. بدون حمایت غرب رژیم اسلامی ایران سرکار نیامد و سر کار نمیماند. بدون حمایت غرب نظام‌های برده داری و شیوخ متفرقه در عربستان و امیرتشین‌های ریز و

در پس تبلیغات رسمی: تروریسم و اسلام سیاسی گمان نمیکنم هیچکس، حتی در خود ارتش آمریکا، این روایت را بپذیرد که جنایت ۱۱ سپتامبر کار گروهی فنانیگ بود که از فردی بنام اسامه بن لادن در افغانستان خط میگیرند که دشمنی شخصی و کوری با آمریکا و "روش زندگی" آمریکایی و "دموکراسی" دارد. رسانه های غربی مصرند که این حرکت "کار مسلمانان" نبود، که از "تعالیم قرآن" برنخاسته بود. ژورنالیست‌های کهنه کار کوشش میکنند که حتی المقدور پای مساله فلسطین و اسرائیل به میان کشیده نشود. میگویند هر نوع مرتبط کردن مساله فلسطین به این حمله تروریستی به معنای اذعان به اینست که این عمل در جلب توجه غرب به وضع فلسطینیان موثر واقع شده است. در نتیجه بجای اسلام سیاسی و

درشت سر کار نمی‌ماندند. بدون حمایت غرب نه فقط طالبان، بلکه دستجات قبلی مجاهدین مسلمان، نمیتوانستند افغانستان را به صحنه یک تراژدی انسانی عظیم تبدیل کنند. همین امروز نیز در صورت قطع این حمایت سیاسی و نظامی و دیپلوماتیک غرب از جنبش اسلامی، مردم منطقه بسرعت این حکومتها را بزیر میکشند. خواست سرنگونی حکومتهای اسلامی و جلوگیری از بند و بست آمریکا و دولتهای غربی با این حکومتها باید یک جزء مهم دیگر در پلاتفرم ضد تروریستی هر جنبش پیشرو مردمی باشد.

۴) باید فعالانه به دفاع از سکولاریسم در کشورهای مسلمان نشین و در محیطهای اجتماعی اسلامی و اسلام زده در خود کشورهای غربی برخاست. تفکر عقب مانده نسبت به فرهنگ و کوتاهی در دفاع از حقوق مدنی و انسانی مردم و بویژه زنان در این کشورها و محیطها، دست اسلام سیاسی را برای ارباب مردم و تحریک جوانان باز گذاشته است. باید جهانشمولی حقوق بشر و حقوق مدنی انسانها اصل قرار بگیرد و هر نوع سازش با دین و حاکمیت ارتجاعی دین به زیان حقوق بشر محکوم شود.

۳) محاصره اقتصادی عراق باید خاتمه یابد. مشقات مردم عراق در اذهان مردم منطقه به یک مساله فلسطین دوم تبدیل شده است. سند زنده تروریسم آمریکایی و غربی در خاورمیانه. این محاصره اقتصادی بعلاوه بر عمر حکومت ارتجاعی عراق افزوده است و مردم محروم عراق را از صحنه مبارزه سیاسی به یک جنگ هر روزه برای بقای فیزیکی عقب رانده است. مبارزه برای لغو محاصره اقتصادی عراق یک رکن دیگر پلاتفرم پیشرو علیه تروریسم اسلامی است.

تروریسم اسلامی یک واقعیت است. تروریسم کار مسلمانها نیست، اما سیاست رسمی یک جنبش اسلامی هست. این یک جنبش توخالی و ساخته دست غرب در متن جنگ سرد و در جدال آنتی کمونیستی با کارگران و آزادیخواهان خاورمیانه است. این جنبش سست و ضعیف است. نفوذ سیاسی و معنوی جدی ای در کشورهای بزرگتر در منطقه ندارد. از واقعیات اجتماعی منطقه عقب است. بدون حمایت غرب، اسلام سیاسی از سوسیالیسم و سکولاریسم در منطقه شکست میخورد. در ایران، که نظیر فلسطین، یکی از مهم ترین عرصه های تعیین تکلیف با اسلام سیاسی است، افول و سرنگونی اسلام سیاسی هم اکنون آغاز شده است.

منصور حکمت

دنیا پس از ۱۱ سپتامبر

بخش اول: جنگ تروریستها

بخش دوم: «جهان متمدن» کجاست؟

بخش سوم: افول اسلام سیاسی

بخش چهارم: پس از افغانستان

نوشتجات منصور حکمت را میتوانید در این سایتها مطالعه کنید:

<http://www.hekmat.public-archive.net>

<http://www.m-hekmat.com>



جلیل بهروزی

ملاحظات در باره بیانیه پلنوم ۴۸ ح ک ک - حکمتیست علیه نسل کشی در غزه!

۱۰ ژوئن ۲۰۲۴

در مقایسه با دیگر جریان‌های چپ و "کمونیست" بسیار رادیکال و انسانی.

اما تناقض بیانیه در چیست؟ در همان بند اول، بیانیه تأکید دارد که "آنچه در غزه می‌گذرد نماد محض کاپیتالیسم معاصر است. دولت نژادپرست اسرائیل در حمایت کامل دولتهای دموکراسی و سانسور رسانه‌ها به نسل‌کشی تمام عیار مردم فلسطین مشغول است." با این توضیح از یک طرف بر یک واقعیت بسیار دلخراش، نسل‌کشی تمام عیار مردم فلسطین تأکید میکند و از طرف دیگر بر این حقیقت بنیادی که این توحش قرن بیست و یکم توسط یک دولت نژاد پرست با حمایت کامل دولتهای دموکراسی صورت می‌گیرد. این توضیح اساس یک موضع اصولی، انسانی و رادیکال است که بخش اعظم چپ در ایران هنوز فرسنگ‌ها از درک و یا قبول آن فاصله دارد.

حزب حکمتیست بیانیه‌ای در پلنوم اخیر خود در ۱۸ مه ۲۰۲۴ در مورد مسئله فلسطین و کشتار در غزه تحت عنوان "علیه نسل‌کشی و هولوکاست غزه" صادر کرده است که بر اساس نام و مضمونش قاعدتا در توضیح نسل‌کشی و پاکسازی قومی مردم فلسطین توسط حکومت اسرائیل، علل و راه‌پایان دادن بدان می‌باشد. ولی از همان بند اول نمی‌تواند تکلیف خود را در قبال آنچه که در فلسطین و بطور مشخص غزه می‌گذرد روشن کند و به تناقض‌گویی‌های آشکار و مهلک دچار میشود. البته ممکن است این تناقض‌گویی از معدل مشترک گرفتن از مواضع متفاوت درون این حزب نشأت گرفته باشد. هر چند در تلاش آن جهت حفظ مرزهای خود با رژیم اسلامی بر سر مسئله فلسطین و غزه شبیه‌ای وجود ندارد. ناگفته نماند که در مجموع این بیانیه نسبت به مواضع قبلی این حزب در قبال آنچه که در غزه رخ میدهد، یعنی نسل‌کشی آشکار توسط دولت اسرائیل، یک پیشرفت محسوب میشود و هم

اما بیانیه حزب حکمتیت نیز به این موضع چندان وفادار نمی‌ماند وقتی که در بخشهای مختلف بیانیه از غزه به عنوان یکی از "میدان‌های جنگ یک زور آزمایی بین المللی .." یاد میکند و یا با تاکید بر این که "صحنه گردان و بازیگران این جنگ دولت اسرائیل و حماس ... نیستند" و یا "جنگ کنونی علیرغم مشقات بی‌شمار..." در القا این ایده است که در غزه یک جنگ، جنگ دولت اسرائیل و حماس، در جریان است. همان تحلیلی که خود سخنگویان ارتش اسرائیل و دول حامی آن در بوق و کرنا می‌دمند. و به این اعتبار زبانش قاصر از آن است که نسل کشی مردم غزه توسط حکومت اسرائیل را به عنوان یک اقدام شنیع سازمان یافته و ضد بشری که ناشی از حاکمیت آپارتاید و بخشی از سیاست این حاکمیت برای ادامه بقا است، بیان کند. هر چند که خواهان فوری آن است! این تناقض زمانی برجسته میشود که در توضیح نسل کشی در غزه تاکید میکند که نفرت پراکنی ملی و مذهبی دو ستون اصلی جنگ و تروریسم دولت اسرائیل و باندهای تروریست اسلامی است که هیزم نسل کشی فعلی را فراهم کرده است. بدون آن که در نظر داشته باشد که این مردم فلسطین هستند که بطور سیستماتیک مورد انقیاد و سرکوب بوده و نفرت پراکنی ملی و مذهبی حکومت آپارتاید اسرائیل یعنی اعلام جنگ علنی و هر روزه علیه آنان و در شرایطی چون بعد از ۷ اکتبر یعنی جنگ یکجانبه علیه کل مردم فلسطین و نسل کشی آشکار. در حالی که نفرت پراکنی ملی و مذهبی باندهای تروریست اسلامی ضمن آن که ربطی به مردم فلسطین نداشته، دودش به چشم خود مردم فلسطین رفته و به سرکوب بیشتر آنان منجر خواهد شد و یا حداکثر خود را در سربازگیری از بخشهای ناآگاه جامعه و به بیراهه کشاندن جنبش آزادیخواهانه خود مردم فلسطین منجر خواهد داشت. نویسندگان بیانیه برای فرار از تناقضی که بدان دچار شده اند و برای این که مرز خود را با حماس تحکیم کنند با زرنگی خاصی جای ستم کشی ملی و دیرینه مردم فلسطین را با "نفرت پراکنی ملی و مذهبی" دو طرف عوض میکنند. سوال این است، اگر وجود یک حکومت نژادپرست، یعنی رژیم اسرائیل فرض است و اگر ۷۵ سال سابقه سرکوب و جنایت علیه فلسطینی‌ها توسط این حکومت و "نکبت" های از نوع ۱۹۴۸ در تاریخ ثبت شده و یا شاهد بوده ایم، دیگر نفرت پراکنی باندهای تروریست اسلامی چه جایگاه تعیین کننده ای در بره انداختن یک نسل کشی در ابعادی که هم اکنون در غزه در جریان است، دارد؟

تبیین بیانیه از آنچه که در غزه می‌گذرد به عنوان یک ادعای نامعنا علیه "هولوکاست" به دلیل سه اشکال اساسی نمیتواند با بحث جنگ تروریستهای اسلامی و دولتی چفت شود. این تبیین نمیتواند تاریخ ستم کشی و سرکوب و جنایت رژیم اسرائیل قبل از روی کار آمدن جریانات اسلامی را توضیح دهد. دوم آنکه جایگاه واقعی سیاست یک دولت

نژادپرست را که برای حفظ بقاء به هر اقدامی از جمله بره انداختن هولوکاست، دست میزند بی اهمیت و یا کم اهمیت میکند و ثالثاً خود نسل کشی را که اساساً توسط حکومت اسرائیل به پیش می‌رود را بپای دو نیروی درگیر در جنگ تروریستی مینویسد!

این تناقض را به جرات میتوان در یک سطح عمومی تر به شرایط و موضعگیریهای خیلی از نیروهای چپ در ایران در قبال اوضاع هولناکی که در غزه و فلسطین می‌گذرد، ربط داد. نیروهایی که اساساً نژادپرستی حکومت اسرائیل را به عنوان یک مولفه اساسی در ستم کشی مردم فلسطین و ایجاد بحران در خاورمیانه جدی نمیگیرند. این یک حکومت آپارتاید برای تداوم حاکمیت نژادپرتر ابزارهایی جز سرکوب آزادیهای سیاسی و اجتماعی، در هم شکستن مقاومت و پایداری برای حقوق برابر و شان انسانی و جز کشتار وسیع این مردم تحت عناوین مختلف ندارد و برای ادامه بقاء از همه ظرفیت ها جهت سازمان دادن یک نسل کشی و پاکسازی قومی برخوردار است و تنها شرایط سیاسی است که برای اجرای چنین اقدام شنیع باید محاسبه شود. البته برای خیلی از این نیروهای چپ در ایران مسئله مرزبندی با رژیم اسلامی و جنبش اسلام سیاسی همچون پاشنه آشیل در مقابل مسئله فلسطین و نسل کشی در غزه عمل میکند و بخشی از آنان را دچار چنین تناقض مهلک کرده است. با موضع گیری های دو پهلو، همچون پذیرش این که حماس و جریانات اسلامی مانند حکومت اسرائیل موجب و عامل این جنایت علیه بشریت بوده و این که یهود ستیزی، اسلامیتها نقش مهمی در این میان بازی کرده است، نه تنها عمق جنایات اسرائیل را تخفیف میدهند، بلکه چون ترمزهایی قوی مانع صف آرای تعارضات این جریانات در قبال آنچه که در غزه می‌گذرد بوده اند.

تناقضات موجود در بیانیه موجبات فرو ریزی عمارت "علیه نسل کشی و هولوکاست غزه" میشود زیرا که عمق جنایت و بربریتی که بر مردم فلسطین، کودکان بی دفاع، زخمی، گرسنه و بی پناه می‌رود کمرنگ می‌کند و بدین طریق صحنه را برای مدافعین کریمه و قضی اسلام سیاسی فراخ تر می‌سازد. عرصه ای که می‌توانست توسط چپ، کمونیست و کارگر سوسیالیست به شکل گیری یک صف قدرتمند در مقابل حکومت نژادپرست اسرائیل و متحدین غربی و جهانی آن تبدیل شود و بدرجات زیادی مانع نفوذ بیشتر جریانات اسلام سیاسی چه در منطقه و چه در سطح جهان گردد. هر چند که بشریت آزادیخواه و عدالت خواه منتظر این چپ نماند و دنیا را به صحنه باشکوه مقاومت علیه نسل کشی حکومت نژاد پرست اسرائیل و متحدین جنایتکار آن بدل کرد.

تریبون را پخش کنید. با ما تماس بگیرید.

tribune890@gmail.com

قطب سوم به میدان آمده است!



آذر ماجدی

۱۶ ژوئن ۲۰۲۴

کردیم. گفتیم که باید قطب سوم، قطب بشریت آزادیخواه و انساندوست را بمیدان کشید. تنها سیاست کارساز. ۸ ماه نسل کشی در غزه نقش قطب سوم را در میدان مبارزه به اثبات رساند. میلیون ها نفری که در دفاع از مردم غزه و فلسطین، در محکومیت نسل کشی اسرائیل و همدستی آمریکا و غرب در این قتل عام به خیابان ها ریختند و علیرغم سرکوب پلیس هنوز میدان را خالی نکرده اند، هزاران دانشجویی که با اشغال دانشگاه خشم خود را نسبت به این جنایت و حامیانش نشان دادند، اینها قطب سوم اند.

قطب سوم روایت دروغین و مسخره اسرائیل و ایدئولوگ های غرب را که این جنگ اسرائیل با حماس است و از 7 اکتبر شروع شده است را نپذیرفت. چشمان جهان به حقایق تاریخی اسرائیل و فلسطین گشوده شد. ۷۵ سال اشغال، نسل کشی، آپارتاید، سرکوب روزمره پلیسی این تاریخ فلسطین تحت اشغال اسرائیل است. جنبش دفاع از مردم فلسطین اکنون به سخنگوی جنبش عدالت طلبی جهانی بدل شده است.

قطب سوم در صفوف میلیونی به خیابان ها آمده و خواهان عدالت است. جنایت و نسل کشی را محکوم می کند. اسرائیل و آمریکا و غرب را محکوم می کند. این جنبش عظیم پتانسیل آنرا دارد که در برابر رشد و عروج فاشیسم در غرب، دفاع از آزادی های سیاسی و مدنی و عدالت در غرب قد برافرازد. خواست عدالت برای فلسطین به چکیده خواست عدالت در تمام جهان بدل شده است. چشمان مردم گشوده شده است. ماسک های دروغ و ریا هیات حاکمه دریده شده است. جامعه بیدار شده است. اکنون یک شرایط طلایی برای سازماندهی یک جنبش عظیم چپ و سوسیالیستی فراهم آمده است.

جنایت وحشیانه یازده سپتامبر یک توجه الهی برای ویرانی خاورمیانه به بهانه جنگ با تروریسم اسلامی به آمریکا داد. بدنبال این جنایت، آمریکا به نسل کشی در منطقه پرداخت. از سال ۲۰۰۱ خاورمیانه به یک ویرانه بدل شده است. میلیون ها نفر کشته شده اند؛ میلیون ها نفر آواره. طی این بیست و سه سال خاورمیانه یک روز آرام بخود ندیده است. بمب ها در آسمان در پروازند. پرده آخر این جنایت نسل کشی در غزه است.

آمریکا و امپریالیسم غرب تروریسم اسلامی را تولید و پرورش دادند. اسلام همیشه یکی از ابزارهای کولونیالیسم و امپریالیسم برای سرکوب آزادی ها، ترقی خواهی و چپ و کمونیسم در منطقه بوده است. از دهه هفتاد میلادی این جنبش تغییر شکل داد. با بقدرت رساندن جنبش اسلامی در ایران، یکی از بزرگترین و قدرتمندترین کشورهای منطقه، اسلام سیاسی شخصیت و قدرت دیگری یافت. این اجرای پروژه کمر بند سبز برژینسکی و کارتر بود. اسلام سیاسی در هیبت یک غول ارائه شد. آمریکا با غول خود ساخته خویش اعلام جنگ کرد.

سپس جریانات تروریستی اسلامی یکی پس از دیگری سر درآوردند. مجاهدین، طالبان، القاعده و حماس. آمریکا و غرب توانستند یورش و بمباران و ویرانی خاورمیانه را به بهانه این جنایتکاران توجیه کنند. اما اسناد درز پیدا کرد. حقیقت افشاء شد. تمام این سازمان ها ساخته آمریکا و غرب با دخالت اسرائیل اند. در "بهار عربی" داعش را ساختند. اخیرا افشاء شده است که سربازان مجروح داعش برای معالجه به اسرائیل می روند.

در برابر این دنیایی که به دوقطب تقسیمش کرده بودند: تروریسم دولتی در برابر تروریسم اسلامی، ما قطب سوم را مطرح

خاتم احدی، ترمز هایتان را چک کنید!

مینا احدی، بنیانگذار اکس مسلم، در یک ویدئو، آذر ماجدی، کمونیست با سابقه و سرشناس، دبیر سازمان آزادی زن، و یکی از فعالین سرشناس بین المللی جنبش آزادی زن، جنبش علیه اسلام سیاسی و برای خلاصی از مذهب را همکار جمهوری اسلامی، "بدتر از عزیزان در انگلیس" (مزدور ج ۱ در بی بی سی) نامیده است. این یک تهمت آشکار، زشت و کثیف است. این مرز اختلاف سیاسی را پشت سر می گذارد. این باید پاسخ بگیرد. در کشوری که شما زندگی می کنید، هنوز تا اطلاع ثانوی که فاشیست ها کاملا قدرت را بدست بگیرند، کار شما غیر قانونی است. تهمت و افترا جرم است.

آذر ماجدی در یک ویدئو تحت عنوان "فراخوان جهاد ضد اسلامی، عواقب و مخاطرات" بدون ذکر نام مینا احدی، سیاست فراخوان به ایرانیان برای سازماندهی یک مارش هزاران نفره علیه اسلام و تروریسم اسلامی را عملی در خدمت رشد جنبش فاشیستی در آلمان خواند. گفت که این عمل به فضای راسیستی، مسلمان ستیزی، مهاجر و پناهنده ستیزی حاکم باروت می دهد. اکنون دو سال است که دولت بریتانیا دارد تلاش می کند مردان مجرد پناهنده را به رواندا، یک جهنم غرب ساخته در آفریقا ارسال کند. این سیاست با اعتراض وسیع انسان ها و سازمان های چپ و انساندوست مواجه شده است. جهنم کنونی در رواندا با سازماندهی یک نسل کشی میلیونی در این کشور توسط فرانسه و همکاری غرب و اسرائیل میسر شده است.

مینا احدی با افتخار گفت: "آذر ماجدی اسم مرا نبرد، اما من فراخوان دهنده ام." ایشان طی هشت ماه نسل کشی، قتل عام و پاکسازی قومی اسرائیل در غزه، با همکاری کامل آمریکا و غرب لام تا کام اسرائیل و نسل کشی فلسطینی ها را محکوم نکرده است. اما در این ویدیو یک چرخش تحمیلی کرد و گفت که نتانیاهو را در کنار حماس محکوم می کند، نه نسل کشی، نه قتل عام، نه دولت مذهبی نژاد پرست اسرائیل. بجای آن آذر ماجدی، کمونیستی که طی این هشت ماه محکم و استوار اسرائیل و آمریکا و غرب را افشاء کرده است، با تمام قوا از مردم فلسطین دفاع کرده است، برای سازمان دادن یک جنبش همبستگی و حمایتی در میان جنبش بین المللی حق زن و جنبش کمونیستی تلاش کرده است را متهم به همکاری با جمهوری اسلامی می کند!

شگفت آور است. در غرب، بویژه در آمریکا، از بخش قدرتمندی از حاکمیت تحت عنوان "لابی اسرائیل" سخن می گویند. از نقش و عملکرد این جناح افشاگری های بسیاری انجام می گیرد. یک وظیفه مهم آنها حذف مخالفین اسرائیل از صحنه، خریدن سیاستمداران، سلبریتی ها و اشخاص با نفوذ است. حذف برای سلبریتی هالیوودی یک جور است، برای کمونیست سرشناس ایرانی باین شکل: اتهام همکاری با جمهوری اسلامی. بنظر می رسد مینا احدی درس سیاستمدار شدن را خوب دارد می آموزد. این یکی از امتحانات مهم ایشان است. اما این تیری در تاریکی است. تیری به پای خود است. با بد کسی طرف شده اند.

مینا احدی آنچنان در دفاع از اسرائیل و تروریسم دولتی دور برداشته که هر نوع مرزی را در نور دیده است. البته پیش از این ایشان با عکس های دست به گردن با سفیر آمریکا و دیپلمات فاشیست اوکراینی و با تعریف با ذوق و شوق از اینکه سفیر آمریکا از ایشان در توثیق اش نام برده است، خود را و موقعیت سیاسی اش را مستند کرده بود ولی این بار دیگر هر پرده ای را دریده است.

تاریخ متأسفانه همچنان تکرار می شود. این اولین بار نیست که ما شاهد سقوط یک کمونیست سابق از موضع انسانیت و اخلاق انسانی هستیم. وقتی روح انسان فروخته شد عمق چاه بی نهایت می شود. شتاب اوضاع تند شده است. فضا میان جبهه راست و چپ قطبی تر می شود. راست با تمام قوا دارد یورش می آورد. باید یک دیوار محکم و استوار در مقابل این عروج راست و فاشیسم، عروج دروغ و ریا تا سر حد وقاحت، ساخت. ماسک ها فقط از چهره اسرائیل و آمریکا نیافتاده است، تمام ارتش این قطب تروریستی ماسک ها را دیده است. هیچ ابایی نیز از خود افشایی ندارد. انتظار می رود که تمام کمونیست های انقلابی و انسان های شریف و با وجدان این تهمت زشت و کثیف را محکوم کنند. بحث بر سر اختلاف سیاسی نیست، بحث بر سر حرمت و اعتبار یک انسان مبارز است. اگر اجازه دهیم که به این سادگی با حرمت و آبروی یک فرد خوشنام و مبارز انقلابی بازی شود شیب سقوط تندتر می شود. عواقب چنین روش هایی بسیار خطرناک و وخیم خواهد بود.

10 ژوئن 2024

تریبون

هما ارجمند، جلیل بهروزی، سوسن لاری، آذر ماجدی

بدون شرح



در سپتامبر ۲۰۱۹ در یک مهمانی به دعوت روزنامه آلمانی «بیلد» از ۵ شخصیت تحت نام «۵ قهرمان آزادی» در پارلمان آلمان پذیرایی شد. این شخصیتها چه کسانی بودند؟

• مینا احدی، سازمان علیه سنگسار. سازمان اکس مسلم



• رائد الصالح عضو سازمان «نجات شهروندان» سوریه معروف به «کلاه سفیدها» (White Helmet) که در سال ۲۰۰۳ تشکیل شد. این سازمان توسط جیمز لو مسوری یر (James Gustaf Edward Le Mesurier) در ترکیه تعلیم داده شد. لو مسوری، ارتشی دولت بریتانیا، که شغلش تعلیم نظامی بود برای بخش سازمان ملل در کوسو کار میکرد و مشاور در سفارت آمریکا در بغداد بود. وی همچنین مسیول تعلیم سازمان «کلاه سفیدها» در ترکیه بود که توسط دولتهای آمریکا، بریتانیا و ژاپن تامین مالی میشد.

• جاشوا ونگ فعال سیاسی از هنگ کنگ، در سال ۲۰۱۹ با نانسی پولسی (سخنگوی مجلس نمایندگان آمریکا) جلسه ای داشت و از دولت آمریکا خواست «لایحه حقوق بشر در هنگ کنگ و دموکراسی» را تصویب کند.

• میخائیل کدورکوفسکی سرمایه دار روسی مخالف پوتین.

• ویتالی کلیتچکو، شهردار شهر کیو در اوکراین از سال ۲۰۱۴ و عضو «انستیتوی جمهوری خواهان بین المللی» وابسته به حزب جمهوری خواه و دولت فدرال آمریکا است.



گزارشی از شکل‌گیری و فعالیت‌های کمپین "جنبش حق زن علیه نسل‌کشی و در دفاع از مردم فلسطین!



سوئدی، ایتالیایی و فارسی ترجمه و در مقیاسی زیادی در بین شبکه‌های اجتماعی پخش شد که خود هر چه بیشتر بازتاب مباحث این کنفرانس در سطح منطقه و دنیا را به همراه داشت و بدنبال آن بیش از ۱۵۰ فعال حقوق زن و تشکل مدافع حقوق مردم فلسطین و ضد نژادپرستی، ضد آپارتاید، ضد نسل‌کشی این بیانیه را حمایت و امضا کردند و این خود زمینه‌ای شد که کمپین بین‌المللی "جنبش حق زن علیه نسل‌کشی و در دفاع از مردم فلسطین" شکل گیرد.

تا حال دهها فعال حقوق زنان از کشورهای مختلف به این کمپین پیوسته‌اند از جمله سازمان فمینیستی *foundation du journal feminist algerine La* و سازمان *laha podca* بخشی از فعالین سوسیالیست مدافع آزادی زن از الجزیره، زنان آزادیخواه از کرانه باختری فلسطین، لبنان و مصر.

روز ۵ ژوئیه روز استقلال الجزایر است و به همین مناسبت فعالین الجزایری کمپین قرار است که در روز ۴ ژوئیه یک روز قبل از مراسم دولتی برنامه ویژه‌ای در مورد مردم فلسطین برگزار کنند. آنان بیشتر روی اولویت‌های مالی و کمک‌رسانی به مردم فلسطین و حمایت سیاسی تاکید دارند. آنان خرسندی‌شان را از پیوستن به این کمپین برای اتحاد عمل در بسیج نیروی اجتماعی در جهت ختم نسل‌کشی و آپارتاید اعلام کردند.

از جمله فعالیت‌های اعضای این کمپین، شرکت و تقویت تظاهرات‌ها و اجتماعات بر علیه نسل‌کشی مردم غزه و دفاع از حقوق انسانی و آزادیخواهان مردم فلسطین از جمله شرکت فعال در مبارزات دانشجویان بر علیه نسل‌کشی و دادن بیانیه در دفاع از بست نشستن‌های اعتراضی آنان، سخنرانی در جلسات و کنفرانس‌های مختلف در رابطه با مسئله فلسطین، نوشتن مقاله و مطالب و دخالت فعال در افشای جنایات حکومت اسرائیل و دولت‌های همکار آن و رسانه‌های بستر اصلی و جمع‌آوری کمک مالی و ارسال مستقیم به کرانه باختری جهت دسترسی به مردم غزه است.

۱۶ ژوئن ۲۰۲۴

* متن بیانیه را می‌توانید در صفحه ۹ مطالعه کنید.

همینطور که قبلاً هم گزارش داده شد "کنفرانس نسل‌کشی در غزه و جنبش حق زن کجا ایستاده است؟" در تاریخ ۲۳ مارس به صورت آنلاین با شرکت ۱۲ فعال حقوق زن از کشورهای سوریه، لبنان، ایران، الجزایر، فلسطین- کرانه باختری، سوئد، قفقاز، کانادا، و فرانسه برگزار شد که اسامی آنان به ترتیب «اولین آکارد، پروفیسور دانشگاه آمریکا، بنیانگذار پناهگاه مادران و کودکان بی‌پناه، ساکن لبنان، هما ارجمند هماهنگ‌کننده کمپین جهانی برای یک سیستم آموزشی سکولار از ایران، ساکن کانادا، شفیقا اوتربا فمینیست لائیک - دبیر کل اینسرم، ساکن فرانسه، سواد بابا ایسا فمینیست لائیک از فرانسه، اویشا بختی فعال حقوق زنان از الجزایر، هلاله طاهری مدیر اجرایی بنیاد زن و جامعه از ایران ساکن انگلیس، دالالا عبدالکافی نویسنده فلسطینی ساکن سوئد، بوتینا کانان خوری فیلمساز فلسطینی ساکن ساحل غربی، کتو کورتس خالیس مسئول انستیتو فمینیست قفقاز، آذر ماجدی مسئول سازمان آزادی زن از ایران، ماریا هاگبری نویسنده و فعال حقوق زن - سوئد».

این کنفرانس در اساس تلاشی بود در جهت تقویت همبستگی بین‌المللی جنبش آزادی زن در حمایت از اعتراضات مردم آزادی‌خواه و عدالت جو جهان جهت تقویت قطب سوم برای پایان دادن به نسل‌کشی در غزه. این کنفرانس در عین حال تلاشی بود جهت شکستن دیوار سکوتی که در جنبش سکولاریستی و بعضاً جنبش فمینیستی در غرب در قبال جنایات حکومت نژادپرست اسرائیل و متحدانش، دول غربی به سرکردگی آمریکا وجود دارد.

گزارش این کنفرانس توسط یک ژورنالیست حاضر در کنفرانس که از بیروت شرکت کرده بود به عربی در میدیای لبنان انتشار یافت که خود باعث بازتاب مباحث این کنفرانس در مقیاس وسیعی شد و به دنبال آن، فعالین زیادی از کشورهای عرب زبان با شرکت‌کنندگان در این کنفرانس تماس گرفتند و خواهان همکاری شدند.

پس از پایان کنفرانس شبکه‌ای از سخنرانان شرکت‌کننده در آن شکل گرفت که در ادامه نشست‌هایش بیانیه مشترکی که در آن ضمن محکوم کردن حکومت نژادپرست اسرائیل و متحدین آن خواهان پایان دادن فوری به نسل‌کشی در غزه شده بود، صادر شد*. این بیانیه به ۸ زبان فرانسه، آلمانی، کردی، عربی،

بیانیه "کنفرانس نسل کشی در غزه و جنبش حق زن کجا ایستاده است؟"

ما نگرانی عمیق خود را نسبت به مصیبت بیش از دو میلیون انسان در غزه، که توسط اسرائیل و با همکاری کامل آمریکا و هیات حاکمه غرب کشتار می شوند و در قحطی و گرسنگی اسیر و گرفتارند، ابراز می کنیم.

ما نسل کشی در غزه را که نزدیک به شش ماه ادامه داشته، قویا محکوم می کنیم. تاکنون بیش از 32 هزار انسان کشته شده که 13 هزار نفر آن کودک اند، هزاران نفر مجروح و ناپدید شده اند. برای اولین بار در تاریخ این نسل کشی بخوبی مستند شده است، از قضا توسط قربانیان آن.

ما خواستار آتش بس فوری و دائمی، کمک های فوری بشر دوستانه، بازگشت آوارگان و بازسازی مناطق ویران شده هستیم. ما در کنار مردم فلسطین ایستاده ایم. ما از همه جنبش ها و سازمان های مترقی، آزادیخواه، برابری طلب در جهان، بویژه سازمان های کارگری و مدافع حقوق زن، می خواهیم که قویا از عدالت و انسانیت و از حق مردم فلسطین دفاع کنند.

این یک لحظه تاریخی است که گفتار و عمل ما حائز اهمیت بسیار است. در دنیای واقعی، سکوت به معنای ایستادن در کنار متجاوز، قاتل و ستمگر است.

در وضعیت وخیمی قرار داریم. دولت ها آزادی های فردی و سیاسی و حقوق مدنی را بشدت مورد حمله قرار داده اند. سانسور هر صدای مخالف، ممنوعیت تظاهرات اعتراضی در غرب به یک امر متداول بدل شده است. دفاع از عدالت بمعنای وسیع کلمه، مسئولیت اجتماعی و اخلاقی هر انسان شریف و با وجدان است. ما جهانیان را فرا می خوانیم تا از حق مردم فلسطین دفاع کنند. حل مساله فلسطین مهمترین و میرم ترین مساله عصر ماست.

حکومت های غربی، در راس آن آمریکا باید بخاطر وحشگیری، شرکت در و حمایت از یک قتل عام، بخاطر دروغ پراکنی و ریاکاری قویا محکوم شوند. دنیا نقاب دروغ و فریب را دریده است.

۲۵ مارس ۲۰۲۴ - ۸ فروردین

امضاء کنندگان:

اولین آکارد، لبنان؛ هما ارجمند، کمپین جهانی برای یک سیستم آموزشی سکولار، ایران؛ شفیا اوترباه، فمینیست لائیک، فرانسه؛ سواد بابا ایسا، فمینیست لائیک، فرانسه؛ اوایشا بختی، الجزیر؛ هلاله طاهری، مدیر اجرایی بنیاد زن و جامعه، ایران؛ دالالا عبدال گانی- نویسنده، فلسطین/سوئد؛ بوتینا کانان خوری، فیلم ساز، فلسطین- ساحل غربی؛ کتو کورتس خالیس، انستیتوی فمینیست قفقاز، آذر ماجدی، سازمان آزادی زن- ایران؛ ماریا هاگری، نویسنده و فعال حقوق زن، سوئد؛ سوسن لاری سازمان آزادی زن.

آزادی حمید نوری، قصاب زندان گوهر دشت، معامله ای دیگر با رژیم اسلامی!

انتظاری غیر از این نمی رفت. این که چگونه ابتدا به ساکن او را دستگیر و چنان نمایش دادگاهی را سازمان دادند، بیشتر مردم سوال بود تا خلاف آن. گدایی از این دولتها و سازمانهای مواجب بگیر آنان امید واهی بیش نیست و تحمیل خواسته های حتی حقوق بشری به آنان بدون یک پشتوانه عظیم انسانی راه به جایی نخواهد برد! دوم، پیروزی و به سرانجام رسیدن جنبش دادخواهی مردم در ایران تنها با اراده متشکل و توده ای و با خواست آزادی زندانیان سیاسی و محاکمه همه سران رژیم و جانیان از نوع حمید نوری در ادامه یک جنبش عظیم برای سرنگونی حاکمیت ارتجاع سیاه اسلامی و در فرادای مرگ این رژیم ممکن است. هیچ راه میانبری وجود ندارد و هیچ امیدی هم به دولتهای غربی از نوع سوئد نمی توان داشت.

دستگیری و محاکمه حمید نوری این جلاد زندانیان سیاسی یک پیروزی بزرگ در تاریخ جنبش دادخواهی مردم در ایران بود و از این رو موجب شادی های فراوان مردم در ایران و التیام کمی بر زخم دیرینه خانواده های جان باخته و زندانیان سیاسی بود. اما آزادی و استرداد این جانی علیه بشریت توسط دولت سوئد یکبار دیگر ثابت کرد پیروزی ناشی از فشار به یک دولتی که خود سالهاست با رژیم اسلامی در حال بند و بست است و مبارزه ای که پشتوانه اش حضور رادیکال و مداوم مردم در صحنه را نداشته تضمینی را در بر نخواهد داشت.

این اقدام دولت سوئد تاکید کرد؛ یک، از دموکراسی های غربی که خود رژیم اسلامی، این حکومت مذهبی سرکوب و جنایت سرمایه را بر سر کار آورده و بیش از چهل سال زیربغل اش را گرفته و ادامه حیاتش را ممکن ساخته اند،